

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد:

نگارخانه‌های شهرداری رایگان در اختیار هنرمندان قرار می گیرد



رئیس شورای شهر مشهد اعلام کرد که شهرداری مشهد آمادگی دارد ظرفیت‌های متعلق به خود اعم از نگارخانه‌ها و گالری‌ها را رایگان در اختیار هنرمندان قرار دهد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای اسلامی شهر مشهدمقدس، محمدرضا حدیدی در حاشیه بازدید از ورکشاپ «طبیعت همراه با هنرمندان تجسمی» که در بوستان کوهسنگی برگزار شد، گفت: بستر این فضای کارگاهی را شهرداری مشهد و با هدف پیوند بین هنر و جامعه شکل داده تا هنرمندان بتوانند حضور یابند و هنرنمایی کنند.

به گفته او امکان برپایی و ایجاد چنین ورکشاپ‌هایی در تمام پارک‌های شهر وجود دارد و هنرمندان می‌توانند از آن بهره ببرند. حدیدی خاطر نشان کرد: وضعیت هوای مشهد از نظر سرما رو به بهبود است؛ امیدواریم شرایط کروناییز متعادل تر شود و این ظرفیت‌های بیش از پیش در اختیار هنرمندان قرار گیرد.

به نظر رئیس شورای شهر مشهد برگزاری چنین ورکشاپ‌هایی بستر مناسبی است تا عموم شهروندان، در سنین مختلف از نزدیک با نحوه کار استادان و هنرمندان رشته‌های مختلف آشنا شوند؛ همچنین این فضا موجب تشویق و ترویج و توسعه هنر می‌شود و کمک‌حال اقتصاد هنرمندان است.

حدیدی یادآور شد: شهرسازی مشهد، با تأکید شورایی شهر و در راستای رویکرد حمایتی که به هنرمندان مششدهی داریم، آمادگی دارد ظرفیت‌های متعلق به خود اعم از نگارخانه‌ها و گالری‌ها را رایگان در اختیار هنرمندان قرار دهد تا آثار خود را در معرض فروش و بازدید دیگران قرار دهند. چارسوق، واقع در پارک کوهسنگی یکی از همین بسترهایی است که رایگان در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد، علاوه بر این، در پارک گل‌ها نیز فضای متعلق به سازمان پارک‌ها که دارای فضایی عمومی و سالن و نگارخانه است، تبدیل به مجموعه هنری خواهد شد. اواز مدیران دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها، شرکت‌ها و هتل‌ها خواست تا رویکردی حمایتی به هنرمندان داشته باشند و هر کدام در حد وسیع و بضاعت خود برای خریداری آثار هنری اقدام کنند چون از این طریق می‌توان موجبات توسعه هنر خراسان را فراهم آورد.

رئیس شورای شهر مشهد همچنین بیان کرد: در نرم افزار «شهر من» هم بستری تحت عنوان فروشگاه مجازی برای ارائه آثار هنرمندان تعبیه خواهد شد تا هنر دوستان از نقاط مختلف بتوانند برای خریداری آثار هنری اقدام کنند.

برگزاری نمایشگاه صنایع دستی در «گلستانه»

با نزدیک شدن به نوروز باستانی، نگار خانه «گلستانه» مشهد، برنامه‌ای ویژه برای ارائه آثار هنرمندان صنایع دستی چیده است که از دیروز با افتتاح نمایشگاه در این نگارخانه شروع شده است. مجید بندارمقدم مدیر نگار خانه گلستانه درباره این نمایشگاه که تا ۲۸ اسفند برپاست، گفت: هدف ما در این نمایشگاه، حمایت و عرضه آثار هنرمندان عرصه صنایع دستی است که محلی برای ارائه آثار خود دارند. ما از حضور تمام هنرمندان مشهدی یا هنرمندانی که در روستاها سکونت دارند، برای حضور در نمایشگاه حمایت می‌کنیم.

این عکاس مشهدی در ادامه گفت: شهرداری و اداره و ارشاد مشهد حمایت‌هایی را برای برگزاری باشکوه این نمایشگاه داشته‌اند اما هنوز آن حمایت چشمگیر اتفاق نیفتاده است و امیدواریم نگارخانه گلستانه که به عنوان یکی از شگزارخانه ممتاز ایران معرفی شده، همچنان این عنوان را حفظ کند و افتخاری فرهنگی برای شهرمان باشد. او همچنین بیان کرد: در این نمایشگاه، انواع آثار صنایع دستی از سوزندوزی‌های بلوچ تا سوزن دوزی‌های تربت جام، آثار صنعت چرم، سفال و... ارائه خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند تا ۲۸ اسفند در دو نوبت صبح از ساعت ۱۰ تا ۱۴ و عصر از ساعت ۱۷ تا ۱۹، در محل نمایشگاه به آدرس چهارراه بیسیم، جهاد ۳، شماره ۱۹، حاضر شوند.

به گفته بندارمقدم، نگارخانه گلستانه از سال ۸۴ شروع به فعالیت کرده است و هر سال ۱۲ تا ۱۸ نمایشگاه برگزار می‌کند که امسال با فراگیری کرونا، تعداد این نمایشگاه‌ها از نوزو ز تا کنون به ۶ نمایشگاه با تعداد بازدیدکنندگان محدود رسیده است.

نمایشگاه عکس رضا کیانیان



نمایشگاه عکس‌های رضا کیانیان بازیگر مشهدی تئاتر، سینما و تلویزیون با عنوان «او می‌رود دامن کشان» از ۱۷ تا ۲۸ بهمن در نگارخانه اعتماد تهران برگزار می‌شود. کیانیان که در روزهای گذشته خبر از ابتلای خود به کرونا داده‌بود پیش از این نیز با چندین نمایشگاه انفرادی و شرکت در نمایشگاه‌های متعدد گروهی در حوزه عکس فعالیت داشته است.

او اولین بار مجموعه‌ای از پوسته‌های درخت‌ها و سپس مجموعه‌ای از کلاغ‌ها را به نمایش گذاشته بود. این هنرمند همچنین در نمایشگاهی با عنوان «دچار آبی بیکران»، مرداب و کهکشان را به تماشا گذاشت. به گزارش ایسنا، امکان بازدید از نمایشگاه جدید این هنرمند از تاریخ ۱۷ بهمن، هر روز به غیر از دوشنبه‌ها از ساعت ۱۲ تا ۲۰ فراهم شده است و تا ۲۸ بهمن ادامه خواهد داشت.

شهرآرامید

روزنامه شهرامید ورزشکی

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ ۷مهرماه۱۳۹۶ شماره ۳۳۱۲

۱۴

فرهنگ و هنر

خواندن این مصاحبه جرم نیست

گفت‌وگوی شهرآرا با کارگردان و نویسنده مشهدی فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است»

محمد عنبرسوز

بیشتر علاقه‌مندان به سینما کمابیش در جریان شرایط عجیبی که بر فیلم پر حرف و حدیث «دیدن این فیلم جرم است» گذشت، قرار دارند. اثر غافلگیرکننده و بحث‌برانگیزی که از همان نخستین نمایش‌هایش در جشنواره سی‌وهفتم فجر، می‌شد حدس زد که کار دشواری را، برای رسیدن به اکران عمومی، در پیش دارد. این فیلم، بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان، به پرده سینماها رسیده و با گشایش مجدد سالن‌ها، خیز بلندی برای جلب نظر مخاطبان، در سطح مردمی، برداشته‌است. به‌بهانه اکران «دیدن این فیلم جرم است»، گفتگویی داشته‌ایم با رضا زهتابچیان، کارگردان ونویسنده مشهدی فیلم، که خودش مایل است «مشهدی‌الاصل» معرفی شود. زهتابچیان البته متولد تهران است. اما سال‌های زیادی را در مشهد زندگی کرده و در مورد آشنایی خود با مختصات شهر مشهد توضیح می‌دهد که لِهجه شخصیت مشهدی را خودش هدایت کرده و کاملاً به این نحوه گویش تسلط دارد. این کارگردان جوان و خوش آئینه، با حوصله به سوالات ما پاسخ داد و ضمن احترام قائل شدن برای نگاه‌های مخالف، نظر اتش درباره متن و حاشیه فیلم را به‌شرحی که در ادامه می‌خوانید، مطرح کرد.

- لطفا درباره پیشینه رضا زهتابچیان برایمان بگویید. قبل از ساختن «دیدن این فیلم جرم است» چه می‌کردید و از چه مسیری به سطح اول فیلم‌سازی در سینما رسیدید؟
- من از سال سوم دبیرستان، در مدرسه شهید حکمت مشهد، علاقه شدیدی به سینما را در خود احساس کردم. در حوزه بازیگری، بنابراین وارد تئاتر شدم. طولی نکشید که فهمیدم آنچه مرا ارضای می‌کند، کارگردانی است، نه بازیگری. پس از چند سال مطالعه و فراگیری، کار حرفه‌ای خودم را با تولید فیلم کوتاه شروع کردم و در اواسط دهه هشتاد، یعنی پاییز ۸۴ یا ۸۵، ایده ساخت این فیلم در ذهنم شکل گرفت. شاید اگر موضوع این اولین فیلم بلندم این چنین حساس نبود، می‌توانستم خیلی زودتر از این‌ها آن را بسازم. اما متأسفانه ساخت این فیلم زمان و انرژی خیلی زیادی از من گرفت.

- ایده فیلم چگونه شکل گرفت؟
- از یک تخیل ساده یک شبی با دوست عزیزم سامان لطیفیان (مدیر فیلم‌برداری فیلم‌هایی همچون «شبی که ماه کامل شد»، «تابای»، «شنای پروانه») در ماشین بودیم، سامان گفت: «رضاً اگر یک شب تیری به ماشینی شلیک شود که متعلق به سفارت انگلیس باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟» همان شب، ایده اصلی «دیدن این فیلم جرم است» در ذهنم شکل گرفت. دست به‌قلم بردم و حاصلش شد همین چیزی که امروز می‌بینید. گرچه که فیلم روی پرده، با آن اتفاق فرضی که در ماشین صحبتش شد، متفاوت است. ولی نقطه جوش ایده، همان تخیل آخر شبی در ماشین بود.

- همین قدر ساده و اتفاقی؟
- آن تصویر خیالی، بله. همین قدر ساده و اتفاقی. اما جهانی که با آن تصویر خیالی خلق می‌شود، نه ساده است و نه اتفاقی. آن جهان، حاصل انبوهی از دغدغه‌های شخصی و اجتماعی و جست‌وجوها و تأمل‌هاست. فیلمی که جهان دارد، با فیلمی که فقط دراماتیک است، فرق می‌کند. دراماتیزاسیون، یک امر فنی است. ولی جهان، حاصل جوشش ضمیر هنرمنداست.

- از فیلم برمی‌آید که فیلم‌ساز سال‌ها یک بغض فروخورده را با خود حمل می‌کرده که تبلورش در سینما «دیدن این فیلم جرم است» شده
- این بغضی که می‌گویید درست است؛ اما اگر بخواهم از احوالاتم بگویم، روحیه من آغشته به مولوی و سهراب سپهری است. فردی هستم بسیار خلوت‌طلب و صلح‌دوست. از سوی دیگر اما، متأسفانه، اتفاقاتی در جامعه رخ می‌دهد که از شدت تلخی، نمی‌گذارند من در لاک خودم باشم. این چیزهایی که در فیلم می‌بینید، به نوعی واکنش من به شرایط و مسائلی است که دل هر کسی را اعم از هنرمند و غیرهنرمند، به‌دردمی آورد. منتهی هنرمندان فرصت را دارد که واکنشش را با صدای رساتری اظهار کند.

- به خود فیلم‌بیرازیم. در مورد عنوان «دیدن این فیلم

جرم است»، به نظر می‌رسد این شکل از نام‌گذاری برای جلب توجه مخاطب بوده و چندان تناسبی با محتوای اثر ندارد.

این اسم از یک دیالوگ در سکانسی از فیلم گرفته شده که در فیلم‌نامه وجود داشت؛ اما متأسفانه به دلیل کمبود بودجه نتوانستیم آن سکانس را ضبط کنیم. آن سکانس به گونه‌ای بود که من خودم خیلی دوستش داشتم و سکانس اثر‌گذار و مهمی بود؛ به همین دلیل تصمیم گرفتم حالا که امکان ضبطش فراهم نشده، دست کم اسم فیلم را از آن سکانس نگه دارم. چون این اسم، با توجه به حساسیت موضوع، لااقل تناظر مضمونی با فیلم داشت. ضمن اینکه این اسم، به‌نظرم برای مخاطب عام جذاب بود. از صراحت این اسم، خوشم می‌آمد. هنوز هم این اسم را درست می‌دانم و دیدیم که درست هم بود. چون اگر دیدن این فیلم جرم نبود، دچار دو سال بلاکلیفی و این همه سنگ‌اندازی‌های عده‌ده و مشکلاتی جدی و کمرشکن نمی‌شد.

- فیلم با یک اتفاق خاص شروع می‌شود که در نگاه اول، موقعیت نادری به نظر می‌رسد. انگار فیلم‌ساز در روند کار دخالت می‌کند و مهره‌هایش را جوری می‌چیند که اوضاع پیچیده شود. امروز اگر بخواهید دوباره فیلم‌نامه را بنویسید، تغییری در این افتتاحیه ایجاد نمی‌کنید؟
- قبول دارم که سکانس افتتاحیه، کمی لاغر است. اما راستش حرف اصلی فیلم برایم خیلی مهم‌تر بوده که می‌خواستم به آن برسم. واقعیت این است که امروز اگر شرایطش فراهم بود که دوباره فیلم را بسازم، احتمالاً این گرافاکنی را فریه‌تر می‌کردم. البته که ما به شدت از نظر مالی در تنگنا بودیم و امکان خیلی کارها را نداشتیم. و گرنه در خود فیلم‌نامه هم سکانس افتتاحیه، پخته‌تر است. اما امکان اجرای آن از نظر مالی، فراهم نشد. «دیدن این فیلم جرم است» یکی از ارزان‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر در جشنواره بوده.

- خودتان بگویید حرف اصلی فیلم چیست؟ چون خیلی برداشت‌های متفاوتی از آن می‌شود.
- حرف من واضح است. این حرف‌هایی که می‌زنند درباره برجام و دولت، این جناح و آن جناح را فراموش کنید. من قصد تطهیر یا تقبیح هیچ فرد و گروه مشخصی را نداشتام. اگر به اجزای فیلم دقت کنید، می‌بینید که ما در هر صنف و سازمان و نهادی، هم شخصیت‌های مثبت داریم و هم منفی. این‌جوری نیست که فلان نهاد فقط خوب باشد و فلان ارگان فقط بد. شکستن این قرائت‌های کلیشه‌ای، خودش یکی از اسباب مشکلات این فیلم بود. حرف فیلم، دادخواهی و قانون‌گرایی و تشویق به مبارزه با ظلم‌ها، مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است و در این راستا، در فیلم واضح است که دوربین، مستقل از تیپ‌ها و وابستگی‌های ساختاری شخصیت‌ها، طرف انانی را می‌گیرد که طرف‌مظلوم را گرفتارند.

- در مجموع، به تحلیل‌های نامرتب با خود فیلم، توجه نکنید. حرف فیلم آن قدر صریح است که اصلاً جایی برای تفسیرهای کذابی و کشف رمزها و گوشدن رازها یا



تطبیق‌های نمادگراییانه می‌ورد باقی نمی‌گذارد. به شرطی که تماشاگر فیلم را ببیند. دقیقاً خود فیلم را. نه پیش‌فرض‌های ذهنی خودش را. این فیلم، یک فیلم فلسفی اجتماعی است که به انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری آدم‌ها درباره ظالم و مظلوم می‌پردازد.

- یعنی می‌گویید وسط آمدن پای آن کشور غربی و حرف‌های مختلفی که درباره منافع ملی مطرح می‌شود، سیاسی نیست؟

نه لزوماً! این‌ها فقط یک «بستر» سیاسی هستند. بستر با محتوای فرق می‌کند. من از بستر سیاسی، در بیشتر درام‌تیزه کردن قصه‌ام استفاده کرده‌ام. فیلم من، سیاسی «هم» هست، اما «سیاسی» نیست. اجازه بدهید مثالی بزنم. شمامکن است یک فیلم آپارتمانی بسازد که در آن مثلاً مدیر ساختمان به ساکنان زور می‌گوید و همسایه‌ها متحد می‌شوند و... این یک مثال ساده است که می‌تواند در عین حال که ظاهرش اجتماعی است، کاملاً سیاسی عمل کند. یعنی فیلمی که بستر اجتماعی دارد و اجتماعی «هم» هست، اما در نگاه عمیق‌تر، هندسه‌ای «سیاسی» دارد. «دیدن این فیلم جرم است» دقیقاً برعکس این مثالی است که عرض کردم. فیلم من شاید زمینه روایت و پیشبرد قصه‌اش یک گره سیاسی باشد، اما محتوا و ایده اصلی آن کاملاً اجتماعی است. و البته از نظر من، اجتماع، در معنای کلان خودش، سیاست راهم در بر می‌گیرد.

- نظراتان درباره برداشت‌های مختلف سیاسی از سوزی مخاطبان چیست؟

ببینید، مخاطب این امکان را داراست که هر برداشتی که می‌خواهد، از فیلم بکند. نه من و نه هیچ کس دیگری هم نمی‌توانیم مانعش شویم. اما اگر هدف من را می‌پرسید، دغدغه من در این فیلم، هرگز محدود به مسائل سیاسی نبوده است. بلکه مسائل سیاسی، حلقه‌ای از زنجیره مشکلات پیش روی قهرمان قصه هستند. دردهای قهرمان این فیلم، دردهای اجتماعی‌اند؛ که از یک سو، مرتبط با سیاست‌گذاری‌های می‌شوند. من حرف یک انسان در این جامعه را می‌زنم که در قصه خودش، به محاصره «فرعون» و «قارون» و «بلعم» گرفتار شده‌است. ● می‌دانم که بارها از شما درباره شباهت فیلمتان با «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتمی‌کیا پرسیده‌اند. با توجه به توضیح شما، می‌توانیم بگوییم که دغدغه فیلم شما حتی از آژانس هم عمومی‌تر است؟

راستش را بخواهید من وقتی در مراحل نگارش فیلم‌نامه بودم، دقیقاً خاطر من هست در جایی که شخصیت اصلی دست به اسلحه برد، ناگهان احتمال دادم که اینجا فیلم شاید تداعیگر «آژانس شیشه‌ای» باشد. اما آن قدر درد و اندوه در سینه داشتم که برایم مهم نبود و ترجیح دادم خودم را درگیر این شباهت‌ها و تفاوت‌ها نکنم. امروز هم فکر می‌کنم این دواتر هر کدام دغدغه‌های خودشان را پیگیری می‌کنند و به جز در مورد گروگان‌گیری، ربطی به هم ندارند.

- می‌شود بگوییم که وجه شباهت فیلم شما با «آژانس شیشه‌ای» به نمایش طغیان فرد علیه سیستم

نگاهی به فیلم‌های دفاعی مقدسی در فجر سی ونهم

نمایش اقتدار ملی روی پرده نقره‌ای

دشمن می‌پردازد.

- داستانی نوجوانانه از دفاع مقدس مهدی جعفری که دو سال پیش با فیلم دفاع مقدسی ۲۳ نفر در جشنواره فیلم فجر حضور داشت، امسال از «یدو» در مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور رونمایی می‌کند. این اثر که در گونه فیلم‌های دفاع مقدس و کودک و نوجوان ساخته شد، اولین ماه‌های جنگ تحمیلی را در آبادان در حال محاصره به تصویر کشیده‌است. به‌جز بازیگر نقش اول زن فیلم (ستاره پسیانی) دیگر بازیگران «یدو» همگی خوزستانی هستند. براساس اخبار منتشر شده فیلم جدید جعفری که از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود، حال‌وهوایی مشابه با «۲۳ نفر» دارد اما پروداکشن آن سنگین‌تر و فضاهای خارجی‌اش بیشتر است.
- قصه‌ساخت اولین جنگنده ایرانی فیلم «منصور» با نام قبلی «اوج ۱۱۰» به کارگردانی سیاوش سردمی نیز از آثار دفاع مقدسی امسال جشنواره است. این فیلم سینمایی بانگلی به‌بخش‌هایی از زندگی شهید



به نظر می‌رسد حمیدرضا آذرنگ نیز در نخستین ساخته سینمایی‌اش که «روزی روزگاری آبادان» نام دارد ادای احترامی به مردم جنگ‌زده جنوب کشور داشته‌است. او در این فیلم از حضور بازیگرانی چون فاطمه معتمداری و محسن تنابنده بهره گرفته‌است.

در میان آثار جشنواره یک فیلم سیاسی و